

**Investigating the effect of religious orientation (Shiite and Sunni) on political participation in elections**

**Abstract**

The purpose of this study was to investigate the effect of religious affiliation (Shia and Sunni) on political participation in elections. The present study is an applied research that is done by survey method and with a descriptive-correlational approach. The statistical population includes the statistical population of this study, 6000 people are eligible to vote in Kangan and Assaluyeh, which according to the sampling table. Morgan 380 people were selected as the sample. The sampling method was stratified-relative random sampling. Thus, in relation to the population of Kangan and Assaluyeh, 222 and 158 people were selected, respectively. A researcher-made questionnaire was used to collect data. This questionnaire was prepared based on theoretical foundations and with regard to the impact of religious orientation on people's political participation, and was prepared in the form of 4 dimensions and 14 items. To evaluate the validity of the components of the questionnaire from the perspective of professors and also the content validity was used and to evaluate their reliability, Cronbach's alpha was used which was calculated to be (0.80). Descriptive tests and t-test for two independent groups and multiple regression test were used to test the research hypotheses. The results showed that religious affiliation (Shia and Sunni) has an effect on political participation in elections, and among these, the greatest impact is related to the belief dimension with a beta coefficient (0.92). Also, based on the results, there is a significant difference between religious affiliation and political participation in elections, and the biggest difference between the average between Shiites and Sunnis is in the ritual dimension (-0.17, 92). At the end the results were discussed.

**Keywords:** Religious orientation, Shiites, Sunnis, political participation in elections

سید ابوالقاسم حسینی<sup>۱</sup>محمدعلی چیت ساز<sup>۲</sup>نبی اله ایدر<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۶/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۰۸

## چکیده

هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی تاثیر گرایش مذهبی (شیعه و سنی) بر مشارکت سیاسی در انتخابات بود. پژوهش حاضر از نوع کاربردی است که به روش پیمایشی و با رویکرد توصیفی-همبستگی انجام می‌گیرد، جامعه آماری شامل جامعه آماری این پژوهش، ۷۰۰۰۰ نفر واجد شرایط رای دادن در دو شهر کنگان و عسلویه می‌باشد که بر اساس جدول نمونه گیری مورگان تعداد ۳۸۲ نفر به عنوان نمونه انتخاب و بررسی شدند. روش نمونه گیری به صورت نمونه گیری تصادفی طبقه ای- نسبتی بود. بدین صورت که به نسبت جمعیت دو شهر کنگان و عسلویه به ترتیب ۲۴۴ و ۱۳۸ نفر انتخاب شدند این پرسشنامه بر اساس مبانی نظری و با توجه به تاثیر گرایش مذهبی بر مشارکت سیاسی مردم، تهیه و در قالب ۷ بعد و ۴۹ گویه تهیه و تنظیم شد. جهت بررسی روایی مؤلفه‌های پرسشنامه از نظر اساتید و نیز روایی محتوایی استفاده شد و برای بررسی پایایی آنها از آلفای کرانباخ استفاده شد که به (۰/۸۰) محاسبه شد. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش نیز از آزمون های توصیفی و آزمون t برای دو گروه مستقل و آزمون رگرسیون چندگانه استفاده شد. نتایج به دست آمده نشان داد که بیشترین تاثیر مربوط به بعد اعتقادی با ضریب بتا (۰/۹۹۲) می باشد. همچنین بر اساس نتایج بین گرایش مذهبی و مشارکت سیاسی در انتخابات تفاوت معنادار وجود دارد و بیشترین تفاوت میانگین بین شیعه و سنی در بعد مناسکی (-) (۱۷,۹۲) می باشد. در پایان نتایج مورد بحث قرار گرفت.

کلید واژه: گرایش مذهبی، اهل تشیع، اهل تسنن، مشارکت سیاسی در انتخابات

۱. دانشجوی دکتری گروه جامعه شناسی سیاسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران

۲. دانشیار گروه جامعه شناسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران (نویسنده مسئول)

۳. استادیار گروه جامعه شناسی سیاسی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران

### مقدمه و بیان مسئله

در عصر حاضر با توجه به مفهوم مدرن سیاست کمتر کشوری را می‌توان یافت که حداقل یکی از اشکال مشارکت سیاسی<sup>۴</sup> مردم را در خود نداشته باشد. به عبارت دیگر مشارکت سیاسی کوشش سازمان یافته مردم و تلاش مستمر آنها در مسائل مربوط به حکومت و سیاست است؛ و این بدین معناست که، مردم در انتخاب رهبران سیاسی جامعه و سیاستگذاری‌ها فعالانه حضور داشته، خود را نسبت به حکومت و سیاست‌های آن، بیگانه احساس نمی‌کنند (نجات و همکاران، ۱۳۹۳ به نقل از: مک کلارک، ۲۰۰۹).

مشارکت سیاسی به عنوان مولفه‌ای مهم در تداوم جامعه مدنی در واقع بیانگر عملکرد سیاسی افراد در مناسبات سیاسی در شرایط مختلف است. مشارکت همان تلاش شهروندان غیر دولتی یک کشور برای تاثیر گذاشتن بر سیاست‌های عمومی است که به صورت داوطلبانه انجام می‌گیرد. هانتینگتون و نلسون مشارکت سیاسی را از عوامل اصلی توسعه سیاسی می‌دانند. آنان مشارکت سیاسی را تابع دو عامل نگرش و اولویت‌های نخبگان سیاسی و وضع گروه‌ها و انجمن‌ها و نهادهای اجتماعی واسطه در خود جامعه می‌دانند (غفاری هاشجین و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۱۰). این در حالی است که گرایش مذهبی به عنوان عمیق‌ترین اعتقادات قلبی انسان در فرهنگ، آداب و رسوم و حتی فرهنگ عامیانه یک ملت قابل نفوذ است و قادر است اعمال، رفتار و تمامی ابعاد زندگی آن‌ها را تحت تاثیر قرار دهد که مشارکت سیاسی در جامعه نیز از این قاعده مستثنی نیست.

به اعتقاد جونز و لیل<sup>۵</sup> یکی از مهم‌ترین عواملی که بر روی رفتار مشارکتی و رفتار انتخاباتی افراد تاثیر می‌گذارد، جهت‌گیری دینی و دینداری افراد است. عامل دین به لحاظ گستره اجتماعی بودن آن در شکل‌گیری، تحکیم و تقویت روابط اجتماعی تاثیر گذار است. دین اساساً با نمادهایی سر و کار دارد که غیر عینی اند و احساسات، ارزش‌ها و امیدهای مومنان را بیان می‌کند یا جریان کنش متقابل میان انسان‌ها و اعیان خارجی را سازمان داده و به نظم می‌کشد، یا کل مجموعه اذهان و اعیان را جمع بندی می‌کند و یا زمینه این کل را نشان می‌دهد (همیلتون، ۱۳۷۷: ۱۵؛ به نقل از زارع و روهنده، ۱۳۹۵: ۲۴).

مسئله محوری که در این پژوهش دغدغه اصلی محقق می‌باشد تاثیر گرایش مذهبی بر مشارکت سیاسی است. با توجه به ماهیت و تعریف گرایش مذهبی به نظر می‌رسد این مفهوم می‌تواند به عنوان تقویت‌کننده‌ای قوی و تسهیل‌کننده‌ای موثر در جهت شکل‌گیری کنش‌های جمعی دارای اهمیت قلمداد شود. چرا که در کشوری مثل ایران گرایش دینی و مذهبی را می‌توان در شبکه‌های خانوادگی، دولتی، همسایگی، مدارس و دانشگاه‌ها

<sup>۴</sup> Political participation  
<sup>۵</sup> Jones and Leal

و انجمن های مدنی و حتی مراکز فروش جست و جو کرد. از این رو واضح است شرکت در انتخابات در ایران برای گرایش مذهبی تشیع به عنوان جامعه‌ای اسلامی شیعی مطرح است که فرد را به عنوان یک شهروند موظف به واکنش در برابر نامزدهای انتخاباتی می‌کند اما برای گرایش مذهبی تسنن شرکت در انتخابات به عنوان یک شهروند اقلیت مطرح است که اگر نامزدهای انتخاباتی دارای گرایش مذهبی اقلیت نباشد حساسیت بیشتری برای او ایجاد می‌کند تا حدی که امکان دارد گرایش مذهبی اقلیت را دچار بی تفاوتی سیاسی و به نوعی ناامیدی در شرکت به عنوان یک شهروند کند. بنابراین ما در این پژوهش می‌خواهیم بدانیم گرایش مذهبی (تسنن و تشیع) چه تاثیری بر مشارکت سیاسی آنان به ویژه در انتخابات دارد؟ به عبارتی دیگر از نظر روش شناختی این پژوهش با استفاده از روش کمی - پیمایشی سعی در مطالعه تاثیر گرایش مذهبی بر مشارکت سیاسی دارد. در این راستا فرضیه های زیر مورد آزمون قرار می گیرند.

- گرایش مذهبی (شیعه و سنی) بر مشارکت سیاسی در انتخابات تاثیر دارد.
- بین گرایش مذهبی و مشارکت سیاسی در انتخابات تفاوت معنادار وجود دارد.

#### مبانی نظری تحقیق

مشارکت سیاسی در دهه‌های اخیر توسعه جهانی پیدا کرده است، اما اطلاق چنین عنوانی هرگز به معنای تعمیم گونه‌ای خاص از مشارکت در تمام ملت‌ها نیست. ملت‌های جهان بنا به لوازم و الزامات تاریخی، فرهنگی، دینی، محیطی و تجربه زیستی که دارند هرکدام راه ویژه‌ای از مشارکت سیاسی را انتخاب کرده و الگوی خاصی را تجربه می‌کنند. پس بدین ترتیب مرزها و حدود مشارکت، راه‌ها و شیوه‌های مشارکت افراد و عناصر شرکت کننده در هر نظام سیاسی مبتنی بر شرایط فرهنگی، اعتقادی، ارزشی، محیطی، تجربه زیستی و هنجارهای اجتماعی مردم و آن نظام سیاسی است (فیرحی، ۱۳۸۵: ۴۴).

درخصوص ماهیت و انواع مشارکت سیاسی، دو تفکر مهم وجود دارد: تفکر نخست، مشارکت با ویژگی‌هایی مانند داوطلبانه<sup>۶</sup>، انتخابی<sup>۷</sup> و قانونی<sup>۸</sup>، که تنها در چارچوب لیبرال دموکراسی<sup>۹</sup> می‌باشد. در این تفکر، تظاهرات سازمان یافته<sup>۱۰</sup> و انتخابات فرمایشی<sup>۱۱</sup> به دور از مشارکت اصیل هستند، زیرا مشارکت حقیقی، جریان از پایین به بالای اثرگذاری است که قوانین حکومتی را شکل داده و بر سیاستها اثر می‌گذارد. تفکر دوم، مشارکت با یادآوری کوشش‌های مردم در هر نوع نظام سیاسی برای اثرگذاری است. این تفکر، مشارکت را از نظام‌های

<sup>۶</sup> Voluntary

<sup>۷</sup> Optional

<sup>۸</sup> Legal

<sup>۹</sup> Liberal Democracy

<sup>۱۰</sup> Organization protests Yafnh

<sup>۱۱</sup> Similarly election

دموکراتیک جدا می‌سازد، در حالی که در خود ماهیت بسیجی، غیرقانونی<sup>۱۲</sup> و دیگر خصوصیات را دارد. در حقیقت، این نوع تفکر، ماهیت مشارکت را از نظر ارزشی، بی طرف می‌داند که حیطة وسیع‌تری از مشارکت تفکر نخست را دارد و هرگونه اعمالی را می‌تواند دربرگیرد (مصفا، ۱۳۵۷: ۲۲). مشارکت سیاسی ممکن است برای حمایت یا علیه نظام سیاسی حاکم صورت گیرد

مشارکت سیاسی پدیده پیچیده و دارای ابعاد متعدد است که ارتباط میان جامعه مدنی و جامعه سیاسی را عملی می‌سازد. بنا به تعریفی، شرکت در فرایندهای سیاسی که به گزینش رهبران سیاسی می‌انجامد و سیاست عمومی را تعیین می‌کند و یا بر آن اثر می‌گذارد، مشارکت سیاسی نامیده می‌شود (آبراکرامبی<sup>۱۳</sup>، ۱۳۷۶: ۲۸۶). همچنین از دیدگاه ویز، مشارکت سیاسی هر عمل داوطلبانه موفق یا ناموفق سازمان یافته یا بدون سازمان، دوره‌ای یا مستمر شامل روش‌های مشروع و نامشروع برای تأثیر بر انتخابات رهبران و سیاست‌ها و اداره امور عمومی در هر سطحی از حکومت محلی یا ملی است.

بورنو<sup>۱۴</sup> استدلال می‌کند که مشارکت سیاسی در عصر جدید به شکلی باور نکردنی اشکال متنوعی از قبیل عضویت در احزاب سیاسی، سازمان‌های جامعه محور و نمایش یک نقش فعال در درون تعاملات فرهنگی و غیره را به خود گرفته است (بورنو، ۲۰۱۰: ۱۹۶؛ نقل از مسعود نیا و همکاران، ۱۳۹۳: ۹۸).

لیپست مشارکت سیاسی را در سه دسته کلی تقسیم بندی می‌کند.

۱- موقعیت اقتصادی خانواده که متغیرهایی چون سطح درآمد، شغل، محل سکونت، منزلت را دربر می‌گیرد. این متغیرها از نظر لیپست به عنوان متغیرهای پایه‌ای عمل می‌کنند که به طور غیر مستقیم از طریق برخی متغیرهای دیگر نظیر ایدئولوژی سیاسی، عضویت حزبی و... رفتار سیاسی را تحت تأثیر قرار می‌دهد

۲- موقعیت اجتماعی فرد که متغیرهایی چون وضعیت تاهل، مشارکت در نهادهای سیاسی - اجتماعی، شهری یا روستایی بودن، مهاجر یا بومی بودن، سطح تحصیلات، میانسال یا جوان بودن را در بر می‌گیرد

۳- موقعیت سیاسی - مذهبی فرد که متغیرهای این وجه تأثیر متقابلی بر یکدیگر دارند. متغیرهایی چون ایدئولوژی‌های سیاسی فرد که ارتباط تنگاتنگی با میزان مذهبی بودن دارد که به نوبه خود متأثر از ویژگی سیاسی خانواده نیز است (معتضد راد و سپهوند، ۱۳۹۳).

در باب مشارکت سیاسی می‌توان از دو گروه نظریه تحت عناوین نظریه منابع و نظریه انگیزش یاد کرد. در نظریه منابع این عقیده مطرح است که افراد برخوردار از منابع بیشتر، سطوح بالاتری از مشارکت را از خود نشان می‌دهند. از مهم‌ترین منابع تأثیرگذار بر مشارکت می‌توان به تحصیلات، درآمد، زمان آزاد و ارتباطات و مهارت

<sup>۱۲</sup> Illegal

<sup>۱۳</sup> Abramkrambi

<sup>۱۴</sup> Borno

های مشارکتی در سازمان ها و انجمن ها اشاره کرد. در نظریه انگیزش، اعتقاد بر این است که وجود منابع موجب تسهیل مشارکت شهروندان می شود، اما در صورتی که شهروندان انگیزه لازم برای مشارکت نداشته نباشند، به این کار مبادرت نمی ورزند. عوامل انگیزشی دامنه گسترده ای دارند و می توانند از انگیزه های مادی تا انگیزه های ارزشی و نگرشی را در برگیرند برخی از مهم ترین انگیزه هایی که تصور می شود بر مشارکت سیاسی اثر گذار باشند عبارت اند از: احساس وظیفه (ملی یا مدنی)، اعتقادات مذهبی و ارزش های سیاسی افراد. اگر فرد احساس کند با رأی دادن یا مشارکت در سیاست، وظیفه مدنی یا دینی خود را انجام داده و همچنین اگر به ارزش های موافق نظام حاکم یا ارزش های ترویج کننده اصل مشارکت اعتقاد داشته باشد، احتمال مشارکت وی افزایش می یابد. (سید امامی و عبدالمطلب ۱۳۸۸: ۱۲۵-۱۲۶).



نمودار ۱ الگوی نظری نوریس در تبیین مشارکت سیاسی: (سید امامی و عبدالمطلب ۱۳۸۸).

رفتار در رأی دهی (گزینش شماری نامزد از سوی دارندگان شرایط رأی دادن) در نگاهی کلی می تواند برآیند تعامل عوامل اجتماعی در سه سطح باشد:

۱- در سطح کلان، نوع و میزان مشارکت سیاسی؛

۲- در سطح میانه، احزاب، جناح ها، سازمان ها، انجمن ها، گروه ها، اقوام و نژادها؛

۳- در سطح خرد، ویژگی های فردی نامزدها.

از کمپ برای شناخت نوع مشارکت سیاسی شهروندان سه شاخص به دست می دهد:

۱- چگونگی انتخاب نامزدها؛

۲- نوع و اندازه مشارکت شهروندان در تصمیم گیری های سیاسی و اقتصادی؛

۳- اندازه قدرت شهروندان، انجمن ها، گروه ها و احزاب.

از نظر وی، تفاوت شرایط اجتماعی مانند سطح توسعه اقتصادی- اجتماعی می تواند به این دو گونه مشارکت بینجامد. گونه نخست شیوه تازه ای از سیاست است که نقش مهم تری به جامعه می دهد (از آن ها نمی خواهد که تنها به انتخاب دو یا چند گروه از تصمیم گیران بپردازند) و ویژه جوامع پیشرفته صنعتی است که با گذر از گونه

نخست به آن رسیده‌اند (اینگله‌ارت، ۱۳۷۳: ۳۸۱).

پژوهش‌های بسیاری در ارتباط با مشارکت سیاسی و دینداری صورت گرفته است، در بیشتر این تحقیقات رابطه نوع دین‌داری و میزان مشارکت را نشان می‌دهد؛ اما باید توجه داشت که مدعای تبیینی تمامی آنها اثر مثبت میزان دین‌داری بر میزان مشارکت در انتخابات است. استدلال محققان هم بر این مدعا به این شرح است که باید در نظر داشت که از «نوع رژیم سیاسی» در جامعه آماری مورد تحقیق نباید غفلت نمود. در کشورهایی که رژیم سیاسی «دینی» است و افراد مذهبی زمام امور را در دست دارند، مذهبی و دیندار بودن مشارکت‌کنندگان، جدایی از غیر دینی/سکولار و دینی بودن کاندیدها و احزاب که خود این عامل هم می‌تواند میزان مشارکت را در بین پیروان این دو (سکولارها و مذهبی‌ها) افزایش دهد.

عبدالله (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «تاثیر مولفه‌های مذهبی بر رفتار رای دهی و مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی»، تاثیر نگرش و باورهای مذهبی چه در میزان مشارکت و تشویق آحاد مردم به شرکت در انتخابات و فعالیت‌های سیاسی و در نوع رفتار و گزینش کاندیدها را موثر می‌داند. با توجه به روش پیمائوریس به بررسی تاثیر مولفه‌های مذهبی در ابعاد انگیزه‌های مذهبی در فرد (مذهبی بودن)، انتخاب شخصیت مذهبی (در داوطلب) و میزان تاثیرپذیری از گروه‌های مرجع مذهبی (روحانیت و مراجع تقلید) در انتخابات مجلس شورای اسلامی و ریاست جمهوری می‌پردازد. نتایج پژوهش بیان می‌دارد تاثیر مولفه‌های مذهبی به عنوان یک شاخص کلی در مشارکت سیاسی و رفتار انتخاباتی در ادوار مختلف انتخابات شورای اسلامی و ریاست جمهوری، از مهم‌ترین شاخص‌های رفتاری و مشارکتی است.

آلتونسو سونمز<sup>۱۵</sup> (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان «دینداری و مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاهی در ترکیه» به بررسی دیدگاه ۸۷۲ دانشجو برای درک تاثیر دینداری بر مشارکت سیاسی می‌پردازد. در این پژوهش، مشارکت سیاسی به صورت فرم‌های مشارکت معمول و غیر متعارف اندازه‌گیری شده است و مقیاس به صورت ۱۳ سوال تهیه شده است که ۷ سوال برای اندازه‌گیری معمول و ۶ سوال از آنها برای اندازه‌گیری مشارکت غیر متعارف به کار گرفته شده است. در ادبیات پژوهش مشخص گردید که دین‌داری با مشارکت سیاسی متعارف ارتباط دارد و همچنین تأثیر منفی بر مشارکت غیر متعارف دارد. در حقیقت، مطالعاتی که در این ادبیات عنوان گردید، نشان داده است که مشارکت افراد مذهبی به طور کلی پایین است و اگر تصمیم به انجام هر گونه مشارکت سیاسی کنند، در قالب مشارکت متعارف تحقق می‌یابد. از سوی دیگر، دانشجویان دانشگاه بیش از هر گروهی که مشارکت غیر متعارف دارند، با یکدیگر مرتبط هستند. براساس نتایج تحقیق، اعتقادات مذهبی دارای همبستگی منفی با شکل معمول و غیر متعارف مشارکت سیاسی است.

<sup>۱۵</sup> Özlem Altunsu Sönmez

ایجت و گیوگنی (۲۰۱۱) در پژوهشی با عنوان «تأثیر دین بر مشارکت سیاسی مهاجران» بیان می‌دارد که دین اغلب به عنوان پیشگوی قوی رفتار سیاسی شناخته شده است. در کنار طبقه اجتماعی و محل سکونت، دین به عنوان یکی از عوامل تعیین کننده جامعه شناختی رفتار سیاسی و به ویژه رای گیری (Lazarsfeld et al., ۱۹۴۴؛ Converse, ۱۹۷۴) بود. به طور خاص، تعدادی از نویسندگان اشاره به از دست دادن نفوذ دین در نگرش های رای دهی و سیاسی داشتند. این ارتباط کاهش یافته می‌تواند نتیجه یک فرایند سکولاریزاسیون است که بر کل جهان غربی تاثیر می‌گذارد (Berger, ۱۹۶۷؛ Bruce, ۲۰۰۲). در عین حال، فرآیند فردگرایی موجب تغییر در شکل بیان مذهب شده است (Hervieu-Léger, ۱۹۹۹؛ Luckmann, ۱۹۶۷؛ Pollack and Pickel, ۲۰۰۷)، و منجر به ظهور پس از سنت مذهبی شد.

### روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع کاربردی است که به روش پیمایشی و با رویکرد توصیفی-همبستگی انجام می‌گیرد، جامعه آماری شامل جامعه آماری این پژوهش، ۷۰۰۰۰ نفر واجد شرایط رای دادن در دو شهر کنگان و عسلویه می‌باشد که بر اساس جدول نمونه گیری مورگان تعداد ۳۸۲ نفر به عنوان نمونه انتخاب و بررسی شدند. روش نمونه گیری به صورت نمونه گیری تصادفی طبقه ای-نسبتی بود. بدین صورت که به نسبت جمعیت دو شهر کنگان و عسلویه به ترتیب ۲۴۴ و ۱۳۸ نفر انتخاب شدند و با تقسیم هر شهر به چهار ناحیه از هر ناحیه یک چهارم نمونه انتخاب شدند. این پرسشنامه بر اساس مبانی نظری و با توجه به تاثیر گرایش مذهبی بر مشارکت سیاسی مردم، تهیه و در قالب ۷ بعد و ۴۹ گویه تهیه و تنظیم شد. جهت بررسی روایی مؤلفه‌های پرسشنامه از نظر اساتید و نیز روایی محتوایی استفاده شد و برای بررسی پایایی آنها از آلفای کرونباخ استفاده شد که به ترتیب برای ابعاد معادل رای دادن در انتخابات (۰/۷۳) فعالیت سیاسی و مشارکت در فعالیت های تبلیغاتی (۰/۷۵) فعالیت سیاسی و انتخاباتی در شبکه های اجتماعی (۰/۷۴) بعد اعتقادی (۰/۷۵) انجام مناسک مذهبی (۰/۷۷) بعد تجربی (۰/۷۵) جامعه پذیری مذهبی (۰/۷۹) محاسبه شد. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش نیز از آزمون های توصیفی و آزمون t برای دو گروه مستقل، آزمون تحلیل واریانس یک راهه، و آزمون رگرسیون چندگانه استفاده شد.

### یافته ها

در ابتدا به منظور دید کلی در مورد نمونه آماری مورد مطالعه برخی از ویژگی‌های جمعیت‌شناختی آنان همچون (سن-جنس-تحصیلات) به صورت فراوانی و درصد گزارش شده است. به عنوان نمونه با مشاهده جدول ۱ مشخص می‌شود که ۱۹۲ نفر از کارکنان مرد بوده اند، و بقیه افراد نمونه زن بوده اند. فراوانی نمونه بر حسب جنس و تحصیلات نیز گزارش شده است.

جدول ۱) ویژگی‌های جمعیت شناختی نمونه



متغیر	سطح	فراوانی	درصد
جنسیت	مرد	۲۰۱	۵۲/۶
	زن	۱۸۱	۴۷/۴
سن	کمتر از ۲۵	۶۲	۱۶/۲
	۲۶-۳۵	۱۱۴	۲۹/۸
	۳۶-۴۵	۱۳۰	۳۴/۰
	بالای ۴۵ سال	۷۶	۱۹/۹
تحصیلات	زیر دیپلم	۳۸	۹/۹
	فوق دیپلم	۵۷	۱۴/۹
	کارדانی و لیسانس	۱۹۷	۵۱/۶
	فوق لیسانس و بالا	۹۰	۲۳/۶

### گرایش مذهبی (شیعه و سنی) بر مشارکت سیاسی در انتخابات تاثیر دارد.

برای بررسی این فرضیه تحقیق از آزمون رگرسیون چندگانه مدل اینتر (Enter) استفاده شد. در این مدل گرایش مذهبی (شیعه و سنی) و ابعاد آن به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شد و تاثیر آن بر مشارکت سیاسی در انتخابات بررسی شد. در جدول ۲ مقادیر همبستگی چند گانه و مجموع مجذورات متغیرها گزارش شده است. با توجه به مقدار  $R^2$  مشخص می‌شود که ۴۸ درصد ( $R^2=0.48$ ) از واریانس مشارکت سیاسی در انتخابات توسط گرایش مذهبی (شیعه و سنی) افراد قابل تبیین است. همچنین در این جدول مقادیر مجذورات رگرسیون ارائه شده است که مشاهده می‌شود مقدار  $F$  در سطح  $P<0.05$  برای بهره‌وری معنی‌دار می‌باشد. در جدول شماره ۳ مشخص می‌شود که در سطح معنی‌داری  $P<0.05$  ابعاد گرایش مذهبی (شیعه و سنی) تبیین معنی‌داری از مشارکت سیاسی در انتخابات برسد داشته است. و به مقدار قابل توجهی آن را پیش‌بینی می‌کند.

جدول ۲) آزمون مجموع مجذورات و مقدار $F$						
مد	مجموع مجذورات	درجات آزادی	میانگین مجذورات	si g	$R^2$	مد
رگر	۱۰۱۸۳۵.	۱	۱۰۱۸۳۵.	۰۰	۰	۴

۸	۰	۸	۵۱۲		۵۱۲	سیون
		۸				ن
		۵				باقی
			۵۳,۶۱۵	۳۸۰	۲۰,۳۷۵	ماند
					۷۰۵	ه
				۳۸۱	۱۲۲۲۱۱,	مقدار
					۲۱۷	ر
						کل

جدول ۳) ضرایب رگرسیون گرایش مذهبی (شیعه و سنی) بر مشارکت سیاسی در انتخابات

Si g.	t	ضریب استاندارد	ضرایب غیر استاندارد		بعد
		Beta	Std. Error	B	
۰۰۰	۷,۳۵		.۵۴۳	۳,۲ ۴	مقدار ثابت
.۰۰	۱۱۷, ۴۸۱	.۹۸۷	.۰۰۴	.۴۸ ۵	گرایش مذهبی
.۰۰	۹۲,۴ ۳۱	.۹۷۸	.۰۱۹	۱,۸ ۰۱	بعد مناسکی
.۰۰	۸۰,۳ ۴۱	.۹۷۲	.۰۴۰	۳,۲ ۱۵	بعد تجربی
.۰۰	۶۳,۶ ۷۰	.۹۵۶	.۱۷۴	۱۱, ۱۰	پایگاه اقتصادی

				۱	
.۰۰ ۰	۱۵۳, ۹۹۳	.۹۹۲	.۰۱۲	۱,۷ ۹۳	بعد اعتقادی
.۰۰ ۰	۸۰,۵ ۳۹	.۹۷۲	.۰۴۰	۳,۱ ۹۱	جامعه‌پذیری مذهبی
.۰۰ ۰	۸۸,۳ ۳۳	.۹۷۷	.۰۳۲	۲,۸ ۳۳	شبکه‌های اجتماعی

بین گرایش مذهبی و مشارکت سیاسی در انتخابات تفاوت معنادار وجود دارد.

جدول ۴) میانگین و انحراف معیار گرایش مذهبی و مشارکت سیاسی بین جمعیت شیعه و سنی

انحراف معیار	میانگین	تعداد	گروه ها	
۴/۴۶	۱۳/۸۷	۲۰۱	شیعه	گرایش
۷/۶۹	۲۸/۸۷	۱۸۱	سنی	مذهبی
۵/۰۴	۱۶/۹۵	۲۰۱	شیعه	بعد مناسکی
۶/۴۱	۳۴/۸۷	۱۸۱	سنی	
۱/۵۶	۶/۵۲	۲۰۱	شیعه	بعد تجربی
۳/۹۶	۱۵/۶۰	۱۸۱	سنی	
۰/۷۰۶	۳/۳۸	۲۰۱	شیعه	پایگاه
۰/۸۴۸	۶/۰۵	۱۸۱	سنی	اقتصادی
۴/۸۵	۱۵/۲۲	۲۰۱	شیعه	بعد اعتقادی
۰۶/۷۴	۳۱/۲۷	۱۸۱	سنی	

۲/۴۳	۷/۴۸	۲۰۱	شیعه	جامعه‌پذیری
۴/۲۰	۱۶/۰۳	۱۸۱	سنی	مذهبی
۲/۷۳	۹/۵۲	۲۰۱	شیعه	شبکه‌های
۴/۹۵	۱۹/۰۲	۱۸۱	سنی	اجتماعی

براساس داده‌های جدول، میانگین متغیر گرایش مذهبی و مشارکت سیاسی در انتخابات در بین شیعه و سنی متفاوت است. به عنوان نمونه در بعد گرایش مذهبی برای شیعه برابر است با ۱۳/۸۷ و برای سنی‌ها برابر با ۸۷/۲۸ می‌باشد. همچنین در بعد تجربی به عنوان کمترین بعد برای شیعه برابر است با ۶/۵۲ و برای سنی‌ها برابر ۶۰/۱۵ می‌باشد. سایر ابعاد در جدول شماره ۴ مشخص شده است.

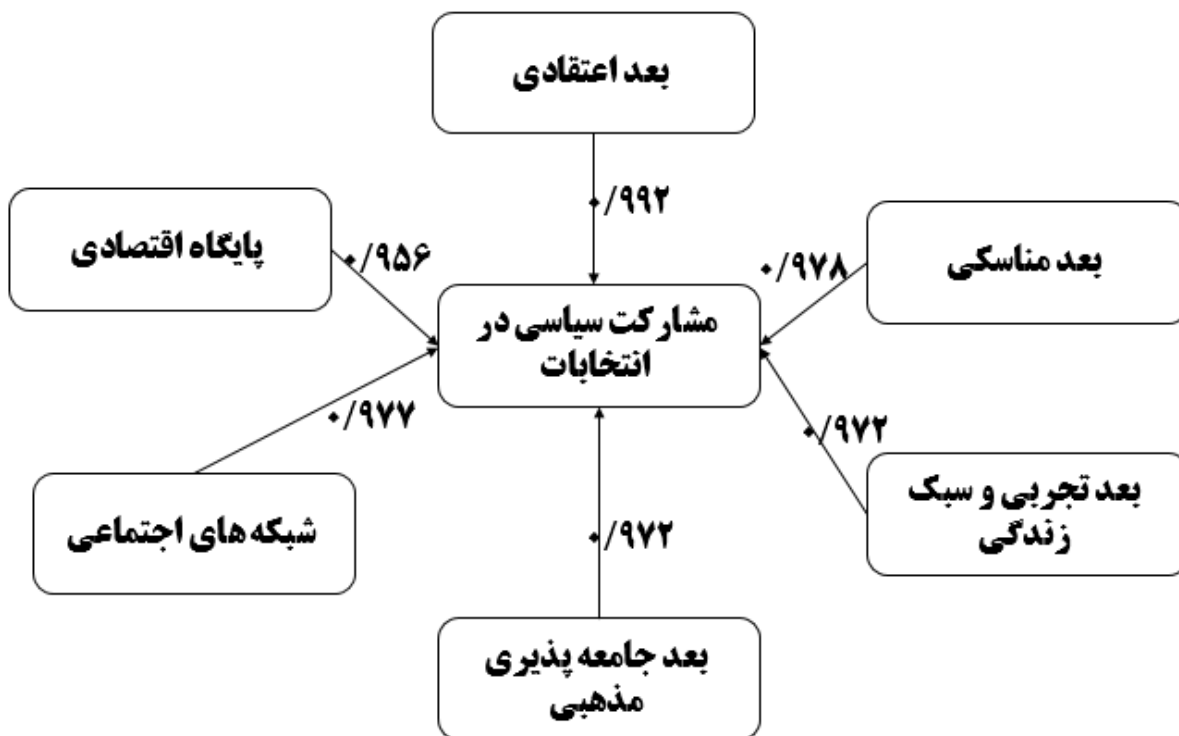
جدول (۵) آزمون t (مقایسه میانگین گرایش مذهبی و مشارکت سیاسی بین شیعه و سنی)

ساختار تأثیر گرایش مذهبی (شیعه و سنی) بر مشارکت سیاسی در انتخابات	سطح معنی داری	درجه آزادی	مقدار t	یکنواختی واریانس ها سطح معنی داری	آزمون مقدار F	
-۳۰/۱۷	.۰۰۰	۳۸۰	- ۳۰,۴۶۷	.۰۰۰	۲۵,۶۲۱	گرایش مذهبی
- ۱۷,۹۲۳۲۳	.۰۰۰	۳۸۰	- ۳۰,۵۲۴	.۰۰۰	۱۶,۲۲۳	بعد مناسکی
-۹,۰۷۹۸۲	.۰۰۰	۳۸۰	- ۲۹,۹۸۹	.۰۰۰	۱۴۳,۸۸۸	بعد تجربی
-۲,۶۶۷	.۰۰۰	۳۸۰	- ۳۳,۵۱۷	.۰۲۵	۳,۷۸۴	پایگاه اقتصادی
-	.۰۰۰	۳۸۰	-	.۰۰۰	۱۸,۷۴۶	بعد اعتقادی

۱۶,۰۶۸۴			۲۶,۸۷۱			
-۸,۵۵۰	.۰۰۰	۳۸۰	- ۲۴,۵۹۵	.۰۰۰	۴۸,۲۱۲	جامعه‌پذیری مذهبی
-۹,۵۰۵	.۰۰۰	۳۸۰	- ۲۳,۵۱۲	.۰۰۰	۳۶,۴۱۴	شبکه‌های اجتماعی

برای بررسی متغیر گرایش مذهبی و مشارکت سیاسی بین جمعیت شیعه و سنی‌کنگان و عسلویه از آزمون تفاوت میانگین‌ها (t-test) استفاده شده است. نتایج آزمون با توجه به مقدار F بدست آمده برای تمامی ابعاد که از عدد ۱/۹۶ بالاتر و سطح معنی‌داری (sig= ۰/۰۰۰) که از  $\alpha=۰,۰۵$  کوچکتر است نشان می‌دهد که تفاوت معنی‌داری بین گرایش مذهبی و مشارکت سیاسی در بین جمعیت شیعه و سنی‌مورد مطالعه وجود دارد و به عبارت دیگر گرایش مذهبی بر میزان مشارکت سیاسی در انتخابات تاثیر مثبت و معنی‌داری دارد.

مدل نهایی پژوهش



نتیجه‌گیری

در متغیر جنسیت اکثریت نمونه آماری اختصاص دارد به مردان با ۵۲/۶ درصد، و زنان با ۴۷/۴ درصد در رتبه

بعديبودند. در متغير سن اکثریت نمونه آماری اختصاص داشت به گروه سنی بین ۳۶ تا ۴۵ سال با ۳۴/۰ درصد و بعد از آن گروه سنی بین ۲۶ تا ۳۵ سال با ۲۹/۸ درصد، گروه سنی بالای ۴۵ سال با ۱۹/۹ درصد، و آخرین گروه سنی زیر ۲۵ سال با ۱۶/۲ درصد قرار داشت. توزیع پاسخگویان بر حسب فراوانی و درصد سوالات مربوط به میزان مشارکت سیاسی در انتخابات در بین جمعیت شیعه و سنی آورده شد. با توجه به نتایج جدول، اکثریت پاسخگویان اذعان داشتند که در انتخابات شرکت می کنند و به دیگران نیز توصیه می کنند. با توجه به میانگین رتبه ای که اکثریت سوالات بالاتر از ۲/۵ است نشان داد پاسخ ها به سمت گزینه های شرکت در انتخابات و افزایش مشارکت سیاسی سوق پیدا کرده است. توزیع پاسخگویان بر حسب فراوانی و درصد سوالات مربوط به فعالیت سیاسی و انتخاباتی در شبکه های اجتماعی آورده شد. با توجه به نتایج جدول، اکثریت پاسخگویان نقش شبکه های اجتماعی را در میزان مشارکت سیاسی در انتخابات تایید کرده اند. با توجه به نتایج آزمون T و رگرسیون نشان داد که با توجه به مقدار و علامت مثبت sig، متغیر گرایش مذهبی و ابعاد آن بر مشارکت سیاسی در انتخابات نقش و تاثیر مثبت و مستقیم دارد.

در تبیین نتایج به دست آمده میتوان گفت که فرهنگ سیاسی محصول تاریخ نظام سیاسی است که ریشه در رفتار عمومی و نیز تجربه های شخصی داشته و مطالعه دقیق آن، فرایند تبدیل تقاضاها و خواسته ها را به تصمیمات، استراتژی ها و سیاست ها نشان می دهد. بر این اساس تحلیل ابعاد گوناگون فرهنگ سیاسی می تواند تصویری واقعی از رابطه اقتدار سیاسی و ارزش ها به دست داده و ما را قادر سازد میزان مشروعیت نظام سیاسی را مورد ارزیابی قرار دهیم. کم و کیف مشارکت سیاسی، شیوه رای دادن، پشتیبانی یا بی اعتنایی نسبت به نظام سیاسی، تا حد قابل توجهی به ارزش ها، انگاره ها و نمادهای نهادینه شده ای بستگی دارد که معمولاً در فرهنگ سیاسی جای می گیرند (قوام، ۱۳۸۲: ۱۰۵).

بنابراین مشارکت سیاسی به عنوان مولفهای مهم در تداوم جامعه مدنی در واقع بیانگر عملکرد سیاسی افراد در مناصبات سیاسی در شرایط مختلف است. از نظر لانسکی (۱۹۶۳) دو نوع دین داری انجمنی و دین داری جماعتی به دو نوع رأی دهی و میزان مشارکت انتخاباتی متفاوت منجر می شوند. وی دین داری انجمنی را با میزان مشارکت و حضور در برنامه ها و فعالیت های دینی رسمی و نهادینه شده (مناسک، نیایش و ...) که تماماً مرتبط به کلیسا و یا درگیری کلیسایی است، می سنجد. همین نکته منشأ تفاوت در رفتارهای سیاسی این دو گونه دین داری است. به اعتقاد لانسکی این دو نوع دین داری مسیحیان را تحت تأثیر رهنمودهای سیاسی مختلف قرار می دهد. فعالیت های کلیسایی به طور آشکار، مواجهه و ارتباط با روحانیون را افزایش می دهد. روحانیون به ارزش های اخلاقی سنتی در رأی دادن تأکید دارند و این منجر به این می شود که کسانی که دین داری انجمنی دارند و یا به عبارت دیگر، به طور مرتب با کلیسا ارتباط دارند، تحت تأثیر این رهنمودها، حمایت کننده احزاب محافظه کاری

چون حزب جمهوری خواه باشند. بنابراین با توجه به ماهیت و موضوعات مطرح شده در جلسات مذهبی مانند مطرح شدن موضوعات روز و آگاه سازی مخاطبین درباره مسائل گوناگون، شرکت در مراسمات دینی و مداومت در انجام مناسک موجب می گردد که افراد بیشتر به مشارکت های اجتماعی و سیاسی حساس باشند و خود را ملزم بدانند که در این گونه فعالیت ها شرکت کنند و از نظر دو گروه مورد بررسی شیعه و سنی، این امر تایید می گردد پس انجام دادن اینگونه مناسک و جذب مردم به شرکت در این جلسات از جنبه های مختلف اجتماعی و سیاسی دارای اهمیت است. بدین ترتیب نتیجه تحقیق حاضر با تحقیق عبدالله (۱۳۹۶) و زارع و روهنده (۱۳۹۵)، باقریان جلودار و خوش فر (۱۳۹۶) و هافمن و دود (۲۰۰۸)، ایجت و گیوگنی (۲۰۱۱) و شوب (۱۹۷۷) همسو می باشد.

از جمله محدودیت های تحقیق حاضر انتخاب متغیر ابعاد گرایش مذهبی و نقش آن در مشارکت سیاسی مردم در انتخابات و کمبود پژوهش های انجام شده در ارتباط با عنوان تحقیق زیرا تحقیقات معتبری که تمامی متغیرها و ابعاد را مورد بررسی قرار دهد بسیار اندک بود. در راستای بهبود مشارکت سیاسی و توسعه کاربرد نتایج پژوهش حاضر پیشنهاد زیر با توجه به نتایج مطرح می گردد.

- از آنجاییکه مسائل اقتصادی یکی از با اهمیت ترین موضوعات است و خصوصا امروزه مردم ما با مشکلات عدیده اقتصادی روبرو هستند پیشنهاد می گردد که سیاستمداران کشور به وعده هایی که در زمان انتخابات می دهند عمل کنند و شعارهایی که در باب مسائل اقتصادی و معیشتی مردم هست را جامه عمل ببوشانند تا مردم نیز با احساس امنیت خاطر و اعتماد بیشتر به مشارکت های اجتماعی و سیاسی گرایش یابند. زیرا هرچه شعارهای مسئولین با اعمال آنها یکی باشد اعتماد بین مردم و مسئولین بیشتر خواهد شد اما زمانیکه به اهداف و برنامه های خود عمل نمی کنند مردم نیز از مشارکت در امور سیاسی و انتخابات دلسرد می شوند.

- از آن جاییکه بعد مناسکی در میزان مشارکت مردم اثرگذار است و شرکت در انتخابات و افزایش میزان مشارکت برای هر کشوری اهمیت زیادی دارد بنابراین توصیه می شود که جذابیت هایی برای حضور در محافل مذهبی و قرآنی خصوصا برای جوانان ( در دارالقرآن ها، پایگاه های بسیج، اماکن مذهبی و مساجد و غیره) ایجاد شود تا مردم با حضور در این انجمن ها و گروه ها علاوه بر کسب فیض، از مسائل روز در هر حیطه آگاه شوند و همچنین حس مسئولیت در قبال مسائل جامعه در آن ها ایجاد و تقویت شود.

- رسانه ها و شبکه های اجتماعی امروزه به شدت گسترش یافته اند و در دسترس همگان قرار گرفته اند. برای اینکه مردم از اخبار و اطلاعات کذب در تمامی حیطه ها در امان بمانند پیشنهاد می گردد سواد رسانهای، به مردم آموزش داده شود زیرا امکان قضاوت آگاهانه درخصوص مطالب ارائه شده توسط رسانهها و منابع اطلاعاتی را در اختیار کاربران قرار میدهد تا از آن برای تعامل موثر با رسانهها و منابع اطلاعاتی و گسترش مشارکت مدنی

سود ببرند و اینگونه می توان از این فضا با کمترین نگرانی، بهترین استفاده را کرد و برای اهداف مختلف از جمله آگاه سازی مردم، ترغیب به مشارکت و تعیین سرنوشت و انتخاب بهترین گزینه بهره برد.

• بعد اعتقادی آموزه های مذهبی نیز از عوامل اثر گذار در میزان مشارکت مردم بود. واضح و مبرهن است که هیچ دینی بی توجهی و بی تفاوتی نسبت به مسائل جامعه را ترویج نمی دهد خصوصا در دین اسلام که نه تنها به این امور بی تفاوت نبوده بلکه در بسیاری از مواقع تاکید و امر کرده که مردم باید خود وارد شوند و در تعیین سرنوشت و یا تغییر آن مشارکت و حضور فعال داشته باشند. بنابراین پیشنهاد می گردد خصوصا کشوری که مانند کشور ما چند قومیتی و مذهبی هستند ضمن حفظ احترام بر تمامی ادیان و مذاهب، تدابیری اندیشیده شود تا هر قوم و مذهبی با توجه به آموزه های دینی خود برای شرکت در انتخابات و حضور فعال در میدان سیاسی حاضر شوند .

• سبک زندگی در هر جامعه ای بر فرهنگ و ارزش های آن جامعه و ارزش هایی که به مردم ارائه می شود بستگی دارد. بیشتر ارزش های ارائه شده توسط رسانه ها صورت می گیرد که نوع خاصی از رفتار و مصرف و زندگی را ترویج می دهند و به نوعی به مردم می آموزند که برای بهترین شدن باید چگونه رفتار کرد، تفکر کرد و مصرف نمود. با وجود اینکه انسان ها توسط طیف وسیعی از رسانه ها احاطه شدند و به انواع اطلاعات دسترسی دارند اما پیشنهاد می گردد در کشور ما که کشوری اسلامی به شمار می رود تمامی تلاش ها صورت گیرد تا نوع سبک زندگی مردم را مطابق با فرهنگ کهن و تمدن ایرانی - اسلامی خود که به دور از تفاخر و تجمل است شکل دهیم و همچنین روحیه جهادگرانه و عدالت طلبانه را بیش از پیش ترویج دهیم تا طیف وسیع تری از مردم را به سمت فعالیت های مشارکت جویانه خصوصا در ورطه سیاسی بکشانیم و این امر توسط رسانه ها می تواند به بهترین شکل صورت گیرد به گونه ای که تمامی قوم و مذاهب را دربر گیرد.

• از آنجاییکه گرایش های مذهبی بر میزان مشارکت سیاسی اثرگذار است و در دین مبین اسلام نیز بر مشارکت و حق تعیین سرنوشت تاکید شده است و کشور ما نیز با فرهنگ و تمدن ایرانی - اسلامی عجین شده بنابراین پیشنهاد می گردد که فرزندانمان از همان ابتدا با آموزه های دینی و مذهبی آشنا گردند و جامعه پذیری آن ها بدین شکل صورت گیرد و این امر محقق نخواهد شد مگر اینکه تمامی عوامل جامعه پذیر کننده مانند خانواده، مدرسه، رسانه ها و خصوصا هنجارهای اجتماعی در یک راستا عمل کنند .



## منابع

- امام جمعه زاده، سید جواد؛ رهبر قاضی، محمود رضا؛ برزگر قاضی، کمال؛ صادقی نقدعلی، زهرا (۱۳۹۱)، رابطه میان دینداری و رفتار انتخاباتی (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه تبریزی)، دو فصلنامه مطالعات قدرت نرم، سل سوم، شماره ۸.
- باقریان جلودار، مصطفی؛ خوش فر، غلامرضا (۱۳۹۵) بررسی رابطه بین ابعاد دینداری و مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه مازندران، فصلنامه علوم اجتماعی، سال بیست و ششم، شماره ۷۶.
- عبدالله، عبدالمطلب (۱۳۹۶)، تاثیر مولفه‌های مذهبی بر رفتار رای دهی و مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی، علوم سیاسی، سال بیستم، شماره ۷۷.
- رهبر قاضی، محمود رضا؛ امام جمعه زاده، سید جواد؛ نوربخش، سوسن؛ خاکی، مینا (۱۳۹۵)، بررسی رابطه دین‌داری با دو نوع فرهنگ سیاسی مشارکت و دموکراتیک، فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال نوزدهم، شماره ۷۱.
- معمار، رحمت الله (۱۳۹۶)، پژوهشی جامعه‌شناختی درباره تاثیر دین و بودن و نوع مذهب بر مشارکت سیاسی در ایارن: یک تحلیل کلان نگر، جامعه‌شناسی نهاد های اجتماعی، دوره سوم، شماره ۹.
- زارع، بیژن؛ روهنده، مجید (۱۳۹۵)، پژوهشی در باب دینداری و مشارکت سیاسی، دو فصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، سال پنجم، شماره ۸.
- کشاوری، زهرا؛ ربانی خوراسگانی، علی؛ یزدخواستی، بهجت (۱۳۹۲)، بررسی تاثیر دین‌داری بر گرایش به رفتار انتخاباتی شهروندان اصفهانی با تاکید بر نظام مردم سالاری دینی، جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و ششم، شماره ۵۸.
- مولائی، محمدرضا (۱۳۹۶)، نقش رفتارهای نوع دوستانه و گرایش‌های مذهبی در پیش بینی مشارکت اجتماعی و سیاسی دانش‌آموزان دبیرستان‌های اردبیل، مجله روان‌شناسی مدرسه، دوره چهارم، شماره ۱۰۴.
- غفاری هنجین، زاهد؛ بیگی نیا، عبدالرضا؛ تصمیم قطعی، اکرم (۱۳۸۹)، عوامل موثر بر مشارکت سیاسی دانشجویان علوم سیاسی و فنی دانشگاه تهران، مجله دانش سیاسی، سال ششم، شماره ۲.
- طالبان، محمدرضا؛ رفیعی بهابادی، مهدی (۱۳۸۹)، ارزیابی تجربی نظریه اینگلههارت در ایران: ارتباط توسعه با دینداری، فصلنامه علوم اجتماعی، دوره هجدهم، شماره ۵۵.

Hoffman, A. and Dowd, R. (۲۰۰۸), "Religion Gender and Political Participation in Africa Lessons from Nigeria Senegal and Uganda De: Lessons from Nigeria,

Senegal and Uganda”. University of Notre Dame: Department of Political Science.  
POLITICS & INTERNATIONAL RELATIONS | RESEARCH  
ARTICLE(Religion and political engagement), *Cogent Social Sciences*, ۳: ۱۳۶۸۱۰۹

Jafar Aghazadeh & and Reza Mahmoudoghli.(۲۰۱۷).

Özlem Altunsu Sönmez.(۲۰۱۳). Religiosity and Political Participation of University  
Students in Turkey: Mediterranean Journal of Social Sciences MCSER Publishing,  
Rome-Italy, *Vol ۴ No ۱۰*